

بحث ما در این جمله امام سجاده (ع) بود که «فاما حق الله الاکبر تعبد به و لا تشکر به شیئا»؛ درباره عبادت که چرا حق الله اکبر است و اینکه اساسا عبادت چیست و ارکان و مقدمات آن چیست، مطالبی را عرض کردیم، البته در حد وقتی که داشتیم. با مقدماتی که بیان شد تا کنون نزدیک به بیست جلسه گذشت،

مسئله مهم این است که در همین جمله امام زین العابدین (ع) می فرماید: عبادت باید همراه با اخلاص باشد و کسی دیگر را در عبادت با خدا شریک نکنید، یعنی مهمترین ویژگی عبادت اخلاص است، اگر اخلاص نباشد عبادت هیچ است، کالعدم است و همه آنچه که تا به حال پیرامون اضلاع سه گانه عبادت (اصل و حقیقت عبادت، معبود، عابد) و ارتباط این سه ضلع با هم گفتیم و توضیح دادیم، منوط به اخلاص است، یعنی خدا عبادت شود آن هم مخلصانه و الا عبادتی که مخلصانه نباشد و شریک در آن وارد شود هیچ ارزشی ندارد، این خیلی مهم است، این مسئله و اینکه هشدار داده می شود که ممکن است برای انسان بعد از مرگ مکشوف شود که این همه کار و تلاش و عمل در زندگی داشته باشد اما وقتی که سرائر و نهان آشکار می شود و انسان به کرده های خویش آگاه می شود، می بیند که در این پرونده هیچ نیست، در آیات و روایات وارد شده است که وقتی پرونده خالی خودش را می بیند سوال می کند که من عمل بسیاری داشتم، پس کجا هستند؟ ندا می رسد که آنها برای دیگران بود، برای مقاصد دیگر بود که به آنها رسیدی، می خواستی شهرت پیدا کنی و نامت مطرح شود و مورد توجه قرار بگیری، می خواستی به دنیا برسی، به مقاصد رسیدی، ولی برای ما چیزی نبود که بخواهیم به تو پاداش دهیم. لذا اخلاص در عبادت مسئله بسیار مهمی است. اینجا نمی توانیم هر چه مطلب پیرامون اخلاص است را بیان کنیم، اینکه حقیقت اخلاص چیست؟ اینکه اخلاص نقطه مقابلش چیست؟ مراتبش چیست؟ آثار و نتایج اخلاص چیست؟ مطالبی است که خیلی مفصل می شود به آن پرداخت، ما اینجا در حدی که این جمله را توضیح دهیم و از کنارش عبور نکنیم، چند محور از این محورهای که اشاره کردم را متعرض می شویم. در درجه اول باید ببینیم معنای اخلاص چیست.

معنای اخلاص

اخلاص در لغت به معنای پاک و ویژه کردن از هر چیزی غیر از خود آن چیز است، هر چیزی را که بخواهند خالص کنند، یعنی آن را پاک کنند از هر چیزی که غیر از آن است، مثلا طلا که عیارهای مختلفی دارد، هر چه عیار بالاتر می رود خلوصش بیشتر می شود و گران تر می شود، لذا می گویند: خلوصش بیشتر است، به چه معنا است؟ یعنی از هر چه غیر از جنس طلا است پاک تر شده است، هر چه آن غیر خودش، غیر طلا در آن بیشتر باشد خلوصش بیشتر است، هر چه غیر خودش کمتر باشد خلوصش بیشتر است. خلوص کامل و تام این است که هیچ ذره ای و چیزی از غیر آن شیء در آن شیء یافت نشود، این در رابطه با همه اشیاء در عالم صدق می کند، این معنای لغوی است.

در اصطلاح یک معنای کلی برای اخلاص گفتند، پاک کردن قصد و نیت و عمل از غیر خدا. این ساحت های مختلفی می تواند داشته باشد، خلوص در اعتقاد، خلوص در اخلاق و عمل، هر کدام در ابعاد و ساحت های مختلف خلوص می تواند تبلور پیدا کند، عمده اش نیز به قصد و نیت انسان بر می گردد. حال من اجمالا به برخی از تعاریفی که برای خلوص ذکر کرده اند اشاره می کنم.

شیخ بهایی در کتاب چهل حدیث اقوالی را برای تعریف خلوص بیان کرده است از جمله: «تنزیه العمل ان یکون لغير الله فیه نصیب»^۱ اینکه عمل را از اینکه برای غیر خدا در آن نصیبی باشد پاک کنیم، یا در همان جا اشاره می‌کند به یک قول دیگر: «قیل ان لا یرید عامله علیه عوضا فی الدارین» این دیگر خیلی خلوص درجه‌اش بالا است. طبق این تعریف خلوص یعنی اینکه عامل هیچ عوضی را نه در دنیا و نه در آخرت قصد نکند، اگر این باشد، معنای خلوص مثل پیدا کردن مورچه سیاه روی سنگ سیاه در شب تاریک است. نگاه‌ها را ببینید، اینها در واقع حقیقت خلوص نیست بلکه مراتب خلوص است. خواجه عبدالله انصاری در تعریف خلوص می‌گوید: «الاخلاص تصفیه العمل من کل شوب»^۲ اخلاص عبارت است از تصفیه عمل از هر خلطی، از هر شائبه‌ای؛ اعم از اینکه شوق به رضای خود باشد یا شوق به رضای مخلوقات دیگر، این کلی است، اینکه می‌گوییم: تصفیه العمل من کل شوب، یک وقت ممکن است کسی عملی را انجام دهد مشوب به رضایت خودش باشد، یعنی انسان برای رضایت خودش کاری را انجام دهد، اینکه برای رضای دیگران انجام دهد قابل درک و فهم است و ناخالصی آن اشکار است، اما اینکه انسان کاری را انجام دهد که مشوب به رضایت خودش باشد این یعنی چه؟ خلوص این است که انسان کاری انجام دهد که حتی شوق رضایت خویشتن هم در آن نباشد، یعنی این یک مرتبه بالایی است از اخلاص. یا مثلا بعضی گفته‌اند که مخلص کسی است که عبادت خدا کند به نحوی که نه خود را در عبودیت ببیند و نه عالم را و نه اهل عالم را و تجاوز نکند از حد عبودیت در مشاهده ربوبیت، خلوص این است که انسان نه خودش را ببیند، نه عالم را و نه دیگران را و این به واسطه شهود حق تعالی است که ربوبیت خدا را که مشاهده می‌کند اصلا اجازه از حد بندگی از او را خودش به خودش نمی‌دهد.^۳

این تعابیر و تفاسیر و تعاریف از خلوص لزوما بیان حقیقت خلوص نیست بلکه بعضی از اینها به مرتبه‌های بالای خلوص اشاره دارد و برخی نیز قدر مشترک در بین مراتب را بیان کرده است.

«والحمد لله رب العالمین»

^۱ الاربعون حدیثا، ص ۴۴۱.

^۲ منازل السائرین، ص ۶۲.

^۳ تفسیر عرائس القرآن فی حقایق القرآن، ج ۳، ص ۲۰۲.